نیما یوشیج ساختار پولادین شعر فارسی را درهم شکست

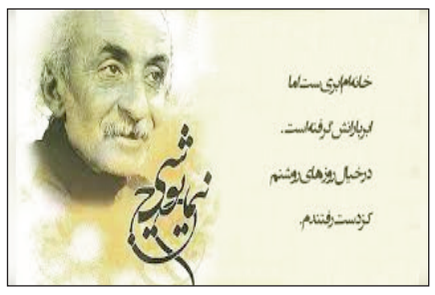

نورانی مکرم دوست شاعر گفت: نیما یوشیج ساختار پولادین شعر فارسی را درهم شکست. کسی که بتواند ساختار پولادین زبان را بشکند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

سید حسن نورانی مکرم دوست، شاعر در برنامه «گفت‌وگوی فرهنگی» رادیو گفتگو مروری بر زندگی نیما یوشیج، پدر شعر نو فارسی انداخت وگفت: پیکره پولادین ادب فارسی در حوزه شعر را می‌توان به قبل و بعد نیما یوشیج تقسیم کرد. چنانچه در دوره‌های قبل از آغاز شعر فارسی، رنگ‌وبوی قالب‌ها تغییر کرده است. قصیده شکل مدحی خود را به غزل داد. وقتی شعر از انحصار دربار خارج شد و وارد جهان عوام شد، مجالی برای تبدیل شدن به غزل را پیدا کرد و عواطف شخصی و احساسات و افکار را بروز داد. شعر تا حدودی عام‌تر شد و فضای شعر برای عامه مردم قابل شنیدن و زیباتر شد. اینجا بود که اوج زبان فارسی را در غزل‌ها می‌بینیم.

این شاعر ادامه داد: بعد از حافظ و قبل از آن سعدی و مولوی همواره شاعران خوبی داشتیم، ولی به تراز حافظ و سعدی و مولوی نمی‌رسند. تا اینکه در دوره صفویه شعر همچنان دست‌وپا زد و سبک هندی شکل گرفت.

باز سبک هندی حال و هوایی را در شعر فارسی ایجاد کرد؛ زبان رمزگونه شد، پیچیدگی کلامی و فهمی آن زیاد شد، تا زمانی که به دوره قاجاریه رسیدیم. در این دوره با نهضت بازگشت ادبی مواجه شدیم؛ این نهضت می‌خواست شعر را به دوره قرن هفتم و هشتم خود که دوره اوج بود برگرداند، اما این توان را نداشت.

کمااینکه اگر این توان را داشت و شاعرانی هم تراز حافظ پیدا می‌شد، باز این اشعار طعمی نداشت؛ چون ۶۰۰ سال پیش این شعرها گفته شده بود.

وی افزود: در حالی نیما یوشیج به اشعار نیمایی خود مشهور است، که حدود ۶۰۰ رباعی و کلی قصیده و غزل و مثنوی دارد. اما او برای ورود به سبک جدید این جسارت را از خود نشان داد. ما خواهیم دید که نه‌تنها نیما حال و هوای شعر را تغییر داد، بلکه به قول حمیدی شیرازی شاعر، ساختار پولادین شعر فارسی را درهم شکست. کسی که بتواند ساختار پولادین زبان را بشکند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

حضور رحمان و رحیم در «پایتخت» قطعی شد

بلال حبشی گفت: من و برادرم این روزها مشغول فیلمبرداری سریال «پایتخت» هستیم و حدود ۸۰ درصد سریال تولید شده است.

همین چند روز پیش بود که هومن حاجی عبداللهی بازیگر نقش رحمت سریال «پایتخت» با انتشار تصویر جدیدی در صفحه اینستاگرام خود خبر از حضور اوس موسی به «پایتخت» را داد و نوشت: «بزرگترین رسالت سریال «پایتخت»، شاد کردن دل مردمه ولی برای خودمون علاوه‌بر اون، تازه شدن دیدارها و تجدید دوستی‌ها و خاطرات این رفاقت‌های دیرینه است. یکی از اون زلال‌های جذاب دوست‌داشتنی که ۲۵ سال از رفاقت باهاش می‌گذره هدایت هاشمیه. بماند به رسم یادگار از روزهای فیلمبرداری پایتخت هفت در شیرگاه زیبا در کنار دوستانی که خود، خانواده‌اند».

حالا در کنار بازیگران اصلی سریال خبر رسیده که مصطفی و مجتبی بلال حبشی، بازیگران نقش رحمان و رحیم «پایتخت» هم حضور دارند.

مجتبی بلال حبشی در برنامه «استودیو هشت» رادیو نمایش درباره فعالیت خود و برادرش در این سریال گفت: ما این روزها مشغول فیلمبرداری سریال «پایتخت» هستیم. فصل هفتم این سریال نوروز سال ۱۴۰۴ پخش خواهد شد. فیلمبرداری سریال همچنان شیرگاه است و ان‌شاءالله خروجی کار خوب از آب در بیاید، تا همه لذت ببرند. الان حدود ۸۰ درصد سریال تولید شده است.

بلال حبشی در پاسخ به این سوال که رحمان و رحیم پررنگ‌تر از فصول قبل در «پایتخت» حضور دارند؟ توضیح داد: ما طبق معمول حضور داریم. البته حرفه اصلی ما در زمینه موسیقی است، اما آقای محسن تنابنده و سیروس مقدم به ما لطف دارند و خواستند در فصل هفتم هم حضور داشته باشیم.

ان‌شاءا... نقشی ایفا کنیم، که مثمر ثمر باشد. ما در فیلمنامه‌هایمان هیچ قسمتی را فی البداهه نداشتیم.

وی در پاسخ به این سوال که برای فصل هفتم «پایتخت» قطعه موسیقی هم تولید کردید؟ افزود: فعلاً برای سریال قطعه‌ای تولید نکردیم، ولی خودمان به صورت شخصی چند کار تولید کردیم. امیدوارم بتوانیم برای سریال هم بخوانیم. اگر این پیشنهاد باشد، با کمال میل می‌پذیریم.

بلال حبشی با بیان اینکه ما کارمان را به صورت تک آهنگ منتشر می‌کنیم، افزود: در حرفه بازیگری هم بجز «پایتخت» پیشنهادات دیگری هم داشتیم، ولی، چون بیشتر علاقه‌مان به خوانندگی است، ترجیح می‌دهیم فقط در «پایتخت» حضور داشته باشیم. اگر نقش‌هایی باشد که مرتبط با خوانندگی باشد، استقبال می‌کنیم، ولی در غیر اینصورت بعید می‌دانم بتوانیم نقشی را بپذیریم.

برگزاری نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه باران در بهمن ماه

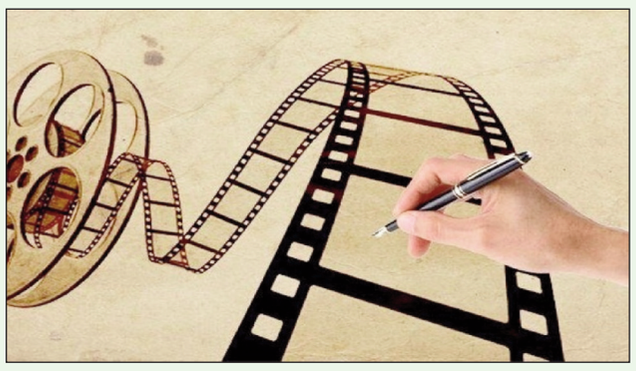

امسال شهرکرد میزبان نخستین جشنواره ملی فیلم کوتاه باران است.

برزکار دبیر جشنواره فیلم باران گفت: اولین جشنواره ملی فیلم کوتاه باران برای سلامت اجتماعی با بهره‌گیری از ظرفیت هنر و هنرمندان سراسر کشور در بهمن ماه سال ۱۴۰۳ در شهر شهرکرد برگزار می‌شود. وی، اهداف جشنواره ملی فیلم کوتاه باران را ارتقاء آگاهی عمومی، پیشگیری و کاهش اعتیاد، تغییر نگرش‌ها و باورهای نادرست حمایت از افراد در حال ترک، نمایش تلاش‌ها و اقدامات مؤثر و تشویق به تولید آثار هنری عنوان کرد. شرکت همه فیلم‌سازان، نهادها، سازمان‌های دولتی و تهیه‌کنندگان بخش خصوصی آزاد است و ثبت‌نام و بارگذاری آثار در جشنواره، فقط از طریق سایت جشنواره به آدرس https://www.shamimeno.ir امکان‌پذیر است.

آخرین مهلت ارسال آثار اول بهمن ۱۴۰۳ است و زمان برگزاری جشنواره نیمه دوم بهمن ۱۴۰۳ خواهد بود.

یک فیلم نپخته؛ «زودپز» را زود از روی اجاق برداشتی آقای جوان

همه چیز در «زودپز»، خیلی زود از روی اجاق برداشته شده و ناپخته است؛ از موقعیت‌هایی که باشتاب‌زدگی موشک‌های درون فیلم پشت سر هم ردیف می‌شوند تا خلق رابطه بین دو کاراکتر اصلی که بار آن را به تمامی، خود تنابنده به دوش می‌کشد.

به گزارش ایرنا، زندگی همه ما این روزها روی دور تند قرار گرفته، از اینستاگرام که خود به تنهایی عامل تجربه سرعت و روی دور تند دیدن هر چیزی است تا زندگی اجتماعی در فضاهای شهری. این دور تند اما مانند تیغی است که تیزی لبه آن به بدن نحیف سینما نیز برخورد کرده است.

«زودپز» جدیدترین فیلم رامبد جوان کسی که حتی گفتار و رفتارش را نیز با همین حرکات تند به یاد می‌آوریم، حالا تازه‌ترین اثری است که همچون خود او نمونه بارزی از همین روی دور سرعت پیش رفتن در شرایط امروز جامعه است. گویی جوان همه چیز را زودتر از حد معمول پخته و نپخته با هم ترکیب کرده تا مخاطبی که انتظار همین سرعت در لحن و بیان قصه دارد را به خود جذب کند.«زودپز» برخلاف دیگر کمدی‌های نوستالژیک دهه۶۰، باخاطره جمعی خواننده‌های ممنوع الکار یا جانبازان شوخی نمی‌کند، بلکه دست روی دردی عمیق‌تر می‌گذارد.

همه چیز در این فیلم، زود از روی اجاق برداشته شده و هنوز ناپخته است؛ از تعامل زوج اصلی فیلم که بار شیمی بین آن دو روی دوش محسن تنابنده است گرفته تا تک‌تک سکانس‌هایی که سعی داشته در پس خود، مفهومی تراژدیک نیز قرار بدهد؛ بلکه منتقدان را در کنار فروش نجومی و اقبال مردم، از خود راضی نگه دارد.

«زودپز» یک خط اصلی دارد که این قصه مرکزی نیز برای خودش نیست؛ از «لیلی با من است» و «اخراجی‌ها» وام گرفته شده اما در راستای همین کپی‌برداری نیز سعی بر عملکردی متفاوت نداشته؛ بلکه با اضافه‌کردن موشک و بازتاب فضای موشک باران تهران همان جنس شوخی با شهادت و جنگ را از خط مقدم جبهه به داخل شهر آورده است.

حتما بخش بزرگی از حافظه جمعی مردم ایران با روزهای موشک‌باران تهران گره خورده؛ با خاطرات دردناکی که آنها را به یاد از دست‌دادن عزیزترین دوستان یا خانواده‌شان می‌انداخته، «زودپز» در این راستا اگر بامزه هم عمل کرده باشد سعی در همدردی نداشته؛ بلکه مقابل این حس همدردی ایستاده است. این اتفاق چگونه رخ داده؟ در کل مدت زمان فیلم، مخاطبان با دو شخصیت اصلی قصه یعنی محسن تنابنده و نوید محمدزاده همراه هستند، دو با جناق دست‌وپاچلفتی که سعی دارند پدرزن خود را که از دنیا رفته شهید جا بزنند. موقعیت‌هایی که یکی پس از دیگری و به سرعت پیش پای آنهاست، همگی با یک عنصر گره خورده موشک!

این گره‌خوردگی به این معناست که هر جا با موشک هدف گرفته شد، ما به همراه دو شخصیت اصلی می‌خندیم و خوشحالیم که بالاخره این دو از دست جنازه متعفن پدرزن خود خلاص شدند و می‌توانیم ادامه فیلم را به تماشا بنشینیم، درحالی‌که این خیال باطل تا پایان فیلم همراه ماست. قرار نیست این خط داستانی تغییر کند، بلکه از هر موقعیتی اعم از بمباران حمام زنانه تا نانوایی و شوخی با فسفر سفید همچنان ادامه دارد و نقطه پایان آن همان نقطه پایانی فیلم است.بخشی ازحافظه جمعی مردم ایران، با موشک‌باران گره خورده؛ با خاطرات دردناکی که آنها را به یاد از دست‌دادن عزیزترین‌هایشان می‌اندازد، «زودپز» در این راستا اگر بامزه هم عمل کرده باشد سعی در همدردی نداشته؛ بلکه مقابل این حس همدردی ایستاده است

این خندیدن و همراهی با موشک‌باران، چیزی است که دست روی یک زخم عمیق می‌گذارد، زخمی که از موشک‌باران به جا مانده و حالا هسته مرکزی قصه‌ای است که قرار است بچه‌های این نسل را بخنداند و ارزش‌ها را در ذهن آنها به سخره بگیرد؛ بی آن‌که تلخی آن روزها را درک کرده باشند. این نکته هم مورد توجه است که گونه کمدی، فارغ از روایت منطقی و رئال خود یا سبک‌پردازانه بودنش می‌تواند روی هر سوژه‌ای دست بگذارد و از مخاطب خنده بگیرد. چنانچه «فسیل» مشکلات خوانندگان پیش از انقلاب را هدف گرفت، «مطرب» روی همین مسیر پیش رفت یا حتی «نهنگ عنبر» با بهره‌وری از همان عناصر معمول دهه ۶۰ روی یک اتفاق خاص مانور نداد و گذرا از المان‌هایی که هم درد دارند و هم شیرین‌اند، قصه تعریف کرد.

اما «زودپز» برخلاف دیگر کمدی‌های نوستالژیک دهه ۶۰، با خاطره جمعی خواننده‌های ممنوع‌الکارشده، به عنوان قشری خاص یا جانبازان شوخی نمی‌کند بلکه دست روی دردی عمیق‌تر می‌گذارد که برای همه مردم و خصوصا نوجوانان دهه شصتی که حالا پدر و مادر شده‌اند مهم است و همراه خود اتفاقات هولناکی را به یاد می‌آورد.

عنصر بعدی و مهم در «زودپز»، موشک است؛ موشکی که قطع‌به‌یقین بسیاری از دهه شصتی‌ها با کاغذ باطله یا برگه‌های دفتر مشق خود آن را ساخته‌اند و بازی با آن برای اکثر آنها خاطرات زیادی را زنده می‌کند.

دهه شصتی‌ها یادشان هست که سریع‌تر به هدف رسیدن موشک‌ها، نشانه برنده‌شدن بود؛ هر موشکی که جلوتر از موشک دیگر متوقف می‌شد، برنده میدان بود. حالا در این فیلم دو باجناق جلوتر از هر موشکی می‌دوند و می‌خندند و خودشان دستی شده‌اند که موشکی از آسمان برسد و روی سر مردم شهر بریزد تا برنده میدان مبارزه‌ای باشند که جوان زیر موشک باران تهران با همه دردها و تلخی هایش از آن قصه ساخته و به اقبال میلیاردی از آن نیز مفتخر است.

حالا همان موشک عنصری شده که جوان برای پیشبرد درام خود روی آن دست گذاشته؛ همان سرعت در خلق ناپخته تک‌تک موقعیت‌هایی به کار گرفته شده که کارگردان با چینش آنها کنار هم، بی‌توجه به خاطره جمعی مخاطبانش و تلخی آن روزها، تنها سعی در بازگرداندن اقبال عمومی و مقبولیت میان مردم و شکستن تند و سریع رکوردهای فروش گیشه داشته است.

بغض تهیه‌کننده سریال «روز خون» شکست؛

نتوانستیم خون و خون‌ریزی حادثه شاهچراغ (ع) را به تصویر بکشیم

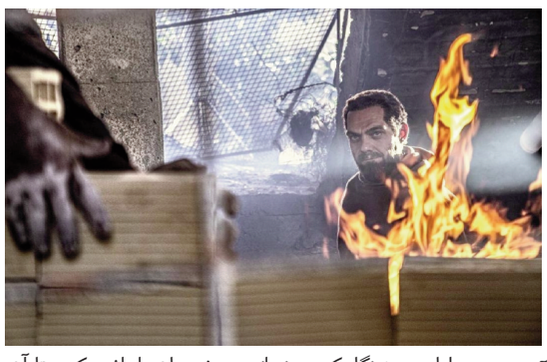

رضایی گفت: ما در سریال «روز خون» سعی کردیم فقط اشاره‌ای به حادثه شاهچراغ (ع) داشته باشیم چراکه آن تلخی را نه می‌شود نشان داد و نه صحیح است که به تصویر بکشیم.

۱۵ آبان بود که امیر رئوف، مدیرکل صداوسیمای استان فارس در نشست خبری که با حضور عوامل سریال «روز خون» و اصحاب رسانه ترتیب داده بود، این اثر را کاری ارزشمند و فاخر در کارنامه تولیدات هنری استان فارس برشمرد و گفت: در تولید این اثر ارزشمند نزدیک به ۵۰۰ هنرور کار را پیگیری کرده که ۴۰ نفر آن‌ها بومی استان فارس و ۱۰ نفر هم از بازیگران کشوری به ایفای نقش پرداختند.

مدیرکل صداوسیمای استان فارس این نوید را به اصحاب رسانه داد که به پیشنهاد سیما فیلم بخش دوم سریال «روز خون» ساخته خواهد شد و بخش دوم سریال با رویکرد موضوع تأمین امنیت خواهد بود.

این سریال درباره اولین حمله تروریستی به حرم شاهچراغ(ع) و پیگیری نیروهای امنیتی و تلاش تروریست‌ها برای ایجاد انفجار و حمله تروریستی در حرم شاهچراغ (ع) است، که از دوازدهم آبان از شبکه یک سیما در حال پخش بود. مرتضی رضایی، تهیه‌کننده این سریال در پاسخ به این سوال که فصل دوم «روز خون» ساخته خواهد شد؟ گفت: بخاطر استقبالی که از قسمت اول سریال «روز خون» شد، تلاش‌هایی برای ساخت فصل دوم سریال انجام می‌شود، که ان‌شاءا... قسمت دوم آن با کمک سیمای استان‌ها و سیما فیلم تولید می‌شود. چون طرح و فیلمنامه سریال حدود یکسال زمان می‌برد. احتمالاً سریال بجای هفت قسمتی ۱۳ یا ۲۶ قسمت بشود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، رضایی با بیان اینکه مخاطبان در تلویبون از سریال «روز خون» رضایت ۱۰۰ درصدی داشتند، توضیح داد: اینکه از چه زاویه‌ای به فصل دوم این سریال بپردازیم، هنوز مشخص نیست. به همین دلیل، ما در انتهای سریال پایان فصل اول را عنوان کردیم، تا بعد بدانیم قصه کجاست، طرح فیلمنامه به کدام سمتی حرکت می‌کند، پژوهش‌ها به کجا می‌رسد و سازمان صداوسیما به عنوان سفارش دهنده چه رویکردی را اتخاذ می‌کند؟

تهیه‌کننده «روز خون» در پاسخ به این سوال که در قسمت هفتم می‌بینیم که شما به تصاویر مستند از جمله فیلم‌های دوربین مدار بسته، گزارش‌ها و... در به تصویر کشیدن حادثه تروریستی استناد و آن‌ها را بازسازی کردید، تصریح کرد: از آنجایی که تصاویر و فضاها وجود دارد، ما سعی کردیم از جایی که تروریست وارد می‌شود، تا جایی که آن حادثه تلخ رقم می‌خورد، وفادار به آن صحنه‌هایی باشیم که مخاطب دیده و پیش‌زمینه‌ای از آن در ذهن دارد. ولی به بعضی از شهدا مثل آرشام اصلاً نتوانستیم بپردازیم. آنقدر این حادثه تلخ بود، که نتوانستیم منعکسش کنیم. عمق فاجعه بسیار بیشتر از چیزی بود، که ما توانستیم نشان بدهیم.

وی ادامه داد: اگر می‌خواستیم فاجعه‌ای را که اتفاق افتاده، به تصویر بکشیم، صحنه‌ها خیلی سیاه می‌شد. از آنجایی که ما پخش ملی و مخاطب عام داشتیم، سعی کردیم حال مخاطب هم در نظر بگیریم. حتی همان میزان خشونتی را که می‌دیدید، خیلی‌ها تماس گرفتند و گفتند ما با دیدن آن صحنه‌ها داشتیم گریه می‌کردیم. حادثه حرم شاهچراغ (ع) حادثه بسیار بسیار تلخی است و بیشتر از این نمی‌شد پرداخت. از آن طرف باید مراعات حال خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیده را می‌کردیم و خیلی تلخی مضاعف به آن نمی‌افزودیم. سعی کردیم به صحنه تروریست سریال وفادار بمانیم و دقیقاً بازسازی ما عین تصاویر موجود در فضای اینترنتی و مجازی باشد.

رضایی در پاسخ به این سوال که پس تمرکز دوربین بر پوکه‌های فشنگ بجای صحنه‌های کشته شدن شهدا هدفمندانه بود؟ تصریح کرد: بله، ما نمی‌خواستیم این حجم از خون‌ریزی را نشان بدهیم. شما تصویر کنید مخاطب عام مخاطب سریال هستند. این صحنه‌ها خیلی تلخ است. بیشتر اوقات خود تدوین‌گر یا صداگذار وسط کار بلند می‌شد، قدم می‌زد تا بتواند کار را ادامه بدهد. ما ترجیحاً سعی کردیم اشاره به حادثه داشته باشیم و آن تلخی را نه می‌شود به تصویر کشید و نه صحیح است که به تصویر بکشیم. من نمی‌توانم این حجم از قساوت قلب و خون و خون‌ریزی که منجر شده کودکی ده دقیقه در خون خودش نشسته باشد، نشان بدهم. نمی‌توان عکسش را نگاه کرد، وای به حال اینکه بخواهیم صحنه را بازسازی کنیم و وسط کار داستانی قرار بدهیم. ما باید مراعات حال خانواده‌ها را می‌کردیم.

به گفته این تهیه‌کننده، به همین دلیل، سعی کردیم بیشتر جاها به المان‌ها بپردازیم. حتی صحنه‌های خون‌پاشی هم داشتیم، که به محض گلوله خوردن خون افراد پاشیده می‌شد اما هر چه نگاه کردیم نتوانستیم خودمان را راضی کنیم تا آن صحنه‌ها را نشان بدهیم. چون واقعاً تلخ می‌شد.

وی افزود: ما وقتی نسخه اولیه را ارسال کردیم، دوستان شبکه یک تماس گرفتند و گفتند قصه خیلی تلخ شده است. آن‌ها گفتند از تلخی آن کم کنید. آن موسیقی هم که در بطن حادثه در حال پخش بود، برای کاهش میزان خشونت قصه بود. من هیچ وقت نتوانستم تصاویر بچه‌ای را که تیر خورده و چند دقیقه وسط خون خود نشسته تا آخر نگاه کنم. آخر هم به نویسنده گفتیم این صحنه را نگذاریم. به همین دلیل، گذاشتیم پسر بچه در بغل پدرش بماند و بعد با آمبولانس راهی بیمارستان بشود.

وی معتقد است علاوه‌بر رضایت صد درصدی مخاطبان در تلویبون در سه روز گذشته، بازماندگان و بعضی از خانواده‌های حادثه تروریستی حرم شاهچراغ (ع)، دوستان امنیتی و مخاطب عام که هدف ما بود، از «روز خون» رضایت داشتند. چون ساعت پخش سریال در شبکه یک اختصاص به مخاطبان عام داشت مخاطبانی که کف جامعه هستند. پیام‌های مختلفی از همکاران فیلمساز داشتیم که تعجب کرده بودند چنین کاری در مراکز استان‌ها تولید شده است.

وقتی صحبت از بازماندگان و شهدای حادثه تروریستی حرم شاهچراغ (ع) شد، مرتضی رضایی نتوانست این حجم از صحنه‌های دلخراشی را که از روز حادثه دیده بود تحمل کند و به یکباره بغضش از این حجم از قساوت قلب شکست. حادثه‌ای که نه‌تنها داغش با گذشت دو سال سرد نشده، بلکه با شنیدن و دیدن صحنه‌های دلخراشش قطره‌های اشک را مهمان چشمان هم‌وطنانمان می‌کند، تا بگوید این سرزمین نامردی‌ها و خون‌های زیادی به خود دیده است، اما هنوز جلوی نااهلان کمر راست می‌کند و سر تعظیم فرود نمی‌آورد.

کتاب جدید محمود دولت‌آبادی؛ منتخبی از عاشقانه‌های «هزار و یک شب»

محمود دولت آبادی درباره کتاب جدید خود گفت: «آورده‌اند که...» گزینی از قصه‌های «هزار و یک‌شب» است. این نویسنده نام‌آشنا در گفت‌وگو با ایسنا درباره کتاب جدید خود که در انتشارات وزن دنیا منتشر خواهد شد گفت: این قصه‌ها به‌رغم قصه‌های طولانی «هزارویک‌شب» که هر قصه در چندین شب خوانده می‌شود، قصه‌های کوتاهی بوده و مناسب این است که آدم هر شب قصه‌ای را بخواند.

دولت‌آبادی سپس درباره انتخاب داستان‌ها گفت: جنبه‌های طنز و شوخی در این داستان‌های منتخب دیده می‌شود. این داستان‌ها بیشتر جنبه عاشقانه دارند. همچنین این داستان‌ها به شخصیت‌های موسیقی‌دان و موسیقی‌نواز دوران خلافت هارون‌الرشید و همچنین شخصیت‌های سیاسی و ایرانی آن دوره یعنی برمکیان پرداخته است. این داستان‌ها برایم جالب بود و طی سالیانی که این کتاب را می‌خواندم، به نظرم مناسب آمد که قصه‌ها یک‌جا منتشر شوند تا کسانی که حوصله خواندن این کتاب بزرگ را ندارند، در جریان قرار بگیرند.

او یادآور شد: علاوه بر شخصیت‌های موسیقی‌دان و برمکیان، قصه‌های عاشقانه عجیب و غریب هم برایم جذاب بود؛ عشق و ابراز عشق از جانب زن‌ها به مردها.

دولت‌آبادی درباره اینکه هدفش انتشار گزینی به‌عنوان کتاب بالینی است، خاطرنشان کرد: «آورده‌اند که...» برای جوانان خوب است. بالاخره جوانان اندک‌اندک با ادبیات و فرهنگ منطقه آشنا شوند. صرفاً برای اینکه بالینی باشد، نبود. من گفتم این کتاب می‌تواند کتاب بالینی هم باشد.

نویسنده «جای خالی سلوچ»، «کلیدر»، «طریق بسمل شدن» و «بنی آدم» با بیان اینکه انتخاب این قصه‌ها صرفاً گزینه بوده و نه تفسیر داستان، گفت: به نظرم تسوجی با بهترین نثر این کتاب را نوشته است. نثر او خیلی زیبا، روان و خوب است. جالب اینکه در نثر جناب تسوجی اصلاحات و کلمات خراسانی دیده می‌شود؛ مثلاً ما خراسانی‌ها به کَک می‌گویم کیک و ایشان هم کیک آورده است. حوصله نکردم وگرنه نمونه‌ها را انتخاب می‌کردم که کدام واژگان با تلفظ خراسانی است، زمانی این ماجرا جالب می‌شود که بدانیم که کتاب در تبریز ترجمه شده است.

محمود دولت‌آبادی درباره اینکه «هزار و یک شب» برای جوانان امروز چه چیزی دارد و آیا جوانان به دلیل آشنایی با زبان و ادب فارسی می‌توانند سراغش بروند یا به براساس جنبه‌های انسانی قصه‌ها، گفت: موضوع قصه انسان است. قصه جنبه‌های گوناگون دارد و بیشتر آشنایی جوانان با آن‌هاست. جوانان ما گرفتار اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. این کتاب در واقع پیشنهادی ادبی در مقابل چیزهای فراوانی است که در اینترنت در دسترس جوانان است.

«جابه‌جایی هیجان‌انگیز» با کامیون‌های غول پیکر

مستند «جابه‌جایی هیجان‌انگیز» هر روز ساعت۸:۳۰ صبح از شبکه تهران پخش می‌شود.

به نقل از روابط عمومی شبکه تهران، این مستند محصول ۲۰۱۴ فرانسه است که در پنج قسمت ۵۰ دقیقه‌ای تهیه و تولید شده است.

مستند پنج قسمتی «جابه‌جایی هیجان‌انگیز» درباره کامیون‌های غول پیکر است. این مستند روایتگر نقش کامیون‌ها به عنوان یکی از مهمترین کمک‌کننده‌های انسان در عصر حاضر هستند. زیرا این کامیون‌ها قادرند مقدار زیادی بار سنگین را به یک‌باره جابه‌جا کنند، در این مستند سعی شده که چند نوع از این کامیون‌های مهم باربری را به مخاطبان معرفی کنند.

مستند «جابه‌جایی هیجان انگیز» تا پایان هفته به مدت ۵۰ دقیقه پخش می‌شود.